ف، هیرمند ۲۰۱۳/۰٤/۱۸

جستجوی اصالت نژادی تلاش بیهوده

جناب عبدالمنان کریم با مقالهٔ آموزندهٔ ایشان تحت عنوان « نژاد پرستی بستر راحتی برای تقویت فاشیزم» نشان داده اند که متوجه بحث های نه چندان مفید پیرامون مسایل مربوط به جست و جوی دریافت ریشه های «اصالت نژادی» اند، اگر این مطالعه و تحقیق به مقصد همسانی و دریافت وجوه تشابه آدم ها و اصلیت نژادی ایشان و اینکه تمام نژاد ها فرزندان آدم «ع» اند و برابر، متساوی الحقوق، دارای عین توانایی ها و استعداد ها وهیچ کدام برتری و کمتری و مهتری و کهتری از یک دیگر ندارند، که حرفی نداشت. مشکل اینجاست که حس های نا نوشته ونا نگاشته – که درعقب این نگارش ها پنهان وعریان است و خوب قابل محسوس می باشد، گویای آن است که : تعلقیت و عدم تعلقیت به این و یا آن نژاد مبادا مگر سبب کسر شأن نژادی کدام نژاد معین و از قبل فرض شده، گردد؟؟ هراس از اینکه « خاکم به دهن ...!!» ما ریشهٔ نژادی خویش را نزدیک و متعلق به آن نژادی که تأریخ از آن وصف خوبی نکرده است، بیابیم وای به حال ما...!!!

و یا عکس آن سعی کنیم «تتبعات ما!!» برای آن باشد که ریشهٔ وابستگی نژادی خویش را به آن نژادی که در تأریخ «خوب!!» درخشیده است، به اثبات برسانیم، و بعداً از این تعلقیت برای خویش اعتبار و منبع اضافه خواهی ها ساز و سامان بدهیم کاری که در تأریخ بشریت صفحات متعفن و خون آلودی از خود به جا گذاشته است، گاهی هم سعی بر آن دیده می شود که «خود بزرگ بینی تباری» تا سطح خود بزرگ بینی نژادی مطرح و مطلوب گردد و این مأمول با اندازه کردن بلندی بینی و یا پهنی آن، با رنگ چشم ها، با گردی و پهن بودن جمجمه ها، با رنگ جلد، با بلندی و کوتاهی قد ها و سایر تفاوت های ظاهری و طبعی (که هرگز باعث تفاوت های کیفی و قابلیت ها نمی گردد) توجیه شود، مگر با این تلاش بی‌هوده (که دیگران سال ها قبل از ما آن را تجربه کرده اند و استفادهٔ مرگباری از آن به عمل آورده اند) می توان امر نیک و انسانی برای مردم ما انجام داد؟؟

مسلک این حقیر نیست که در امور بسیار تخصصی این امر که در ید صلاحیت علمی من نیست وارد شوم، اما تأریخ و تحقیقات علمی امروزی به اثبات رسانیده است که تمام انسان ها چه زرد، سفید، سیاه، اروپایی، آسیایی، مغلی، ترکی، لاتینی، هندی و... همه برابر اند و حایز مشخصات همگون و مشابه می باشند، و هیچ گونه مباینت اساسی که باعث تغیی‌ر در اندازهٔ استعداد ها و توانایی های آنان گردد، وجود ندارد، به همین جهت است که تمام اسناد جهانی حقوق بشری «اصل تساوی» را از اولین وعمده ترین اصول حقوق بشری دانسته اند، یعنی این «اصل تساوی» آدم ها یک شعار سیاسی نیست یک ارزش و یک اصل نهادی جامعهٔ بشری امروز است که احدی حق ندارد به حقانیت و مشروعیت آن تردید کند، و باز انسان برای اثبات، تحقق، برقراری و انفاذ و اجرای «اصل تساوی» به میلیون ها قربانی داده است.

که برای ثقه بودن خود محل هیچ گمانی را نمی گذارد.

آری میان انسان های تفاوت ها و افتراقاتی وجود دارد که این افتراقات گاهی موجب برخورد های جدی فزیکی میان آنها نیز می گردد، اما مسبب این تفاوت ها نه از منشهٔ نژادی بلکه از نوعی مدنیت های مربوط ایشان، ماهیت ساختار های تأریخی و اقتصادی، تحولات جیوپولیتیک و میتیولوژیک، وجود و فقدان ظرفیت های ضروری برای پیشرفت و یا بسته ماندن جوامع ذیربط، فرهنگ ها و سطح تکاملی آنها که گروه های مشخص انسانی در آن به سر می برند و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

شاید عوامل و اسباب زیاد دیگر که در رشد توانایی های گروه های انسانی نقش دارند علل اصلی این تفاوت ها می شوند، که:

جناب «کریم» بـه طور مؤجزی از آنها نام برده اند.

و اما اثرات نقدانقد این مباحثات ریشه یابی اصالت تباری - نژادی بالای مردم و جامعهٔ ما چه خواهد بود، در وضعیت فعلی که مردم ما همچو آب حیات به وحدت و یک پارچگی ملی اشد ضرورت دارد، بر شماری تفاوت ها و مباینت آنان اثر ناگواری بر این آرمان اهم وطنی خواهد داشت، نتایج این گونه بحث ها ضربات جدی در راه اعتماد سازی میان اهالی شریف و ستمدیدهٔ وطن ما را در بر خواهد داشت، من هرگز اتهامی بر محققان و نگـارندگان عزتمند پورتال وزین افغان جرمن آنلاین که در این بحث ها سهم صادقانه دارند وارد نکرده و چنین منظوری نیز ندارم ولی عاجزانه و صمیمانه توقع دارم محل و زمان هر بحثی را اگر ارزیابی بفرمانید و عواقب و نتایج آن را در قبال اوضاع کنونی وطن ما زیر سنجش بگیرند، حتماً به مقصد اصلی خویش که خدمت به وطن و وطنداران ما می باشد نزدیکتر خواهند گردید.

بزرگان تأریخ نگار کشور ما در بارهٔ ترکیب انسانی مردمان مزر و بوم متعلقهٔ ما نوشته اند که این مرز و بوم شاهراه مدنیت های مختلف بوده و گروه های متنوع انسان ها از این محل عبور کرده و یا در آن مسکن گزین شده اند و بناءً بسیار طبعی است که در وطن، به گفتهٔ نوری گرامی «گلستان اقوام»[1] ما وطنداران زیبا و متنوع دوست داشتنی داشته باشیم، از ترک و ترکمن گرفته تا سک و هندو و هزاره تا تاجک و ازبک و نورستانی و پشتون و دیگر عزیزان ما، اینها هیچ کدام ایشان نسبت به دیگری ارجحیت و برتری ندارند، همه برادر و برابر اند و همه حق دارند به قوم و اصلیت خویش مفتخر باشند و حق آمیزش و تزویج را دارند، این نزدیکی و آمیزش استخوانبندی وحدت ملی ما را مستحکمتر می سازد، مردم ما طی تجارب زنده و قریب تأریخ کشور ما، خوب آگاه اند که همبستگی و اتحاد آنان چه نقش اساسی بر موجودیت وطن و خود ما دارد **پاینده و سربلند باد افغانستان و مردم آن.**

ظن و بـد بینی زقلب تاجک و پشتون زدای ملت همبسته را بـرهـمـدگر مظنون مکن
ازبک و تاجک ، هزاره ، همنوا و همدل اند هـمـنـوا و هـمدل شان دارودیگرگون مکن[2]

پایان

۱- افغانستان گلستان اقوام در ٤٢٠ صفحه تألیف ولی احمد نوری – انتشادات بامیان – سال چاپ بهار ۲۰۰۸ میلادی – شهر لیموژ فرانسه

۲- این دو بیت عالی از یک غزل ملک الشعرا استاد محمد نسیم اسیر گرفته شده که زیر عنوان (نیایش به ارزوی وحدت) در پورتال عزیز افغان جرمن آنلاین نشر شده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ